

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبانشناسی همگانی

نقش های معنایی-منظوری جملات پرسشی در  
شاهنامه

توسط

هوشنگ مددی

استاد راهنما:

دکتر جلال رحیمیان

تیرماه ۱۳۸۷

۱۹۵۶۵۷

۱۳۸۷ / ۷ / ۲۲



به نام خدا

نقش های معنایی-منظوری جملات پرسشی در شاهنامه

توسط

هوشنگ مددی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای لازم برای اخذ درجه‌ی

کارشناسی ارشد

در رشته‌ی

زبان‌شناسی همگانی

از

دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

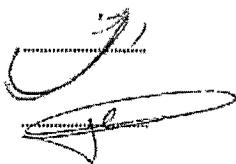
ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته‌ی پایان‌نامه با درجه‌ی: عالی

امضای اعضای کمیته‌ی پایان‌نامه:

دکتر جلال رحیمیان دانشیار بخش زبان‌های خارجی

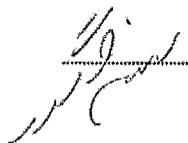
و زبان‌شناسی (رئیس کمیته)

دکتر اکبر صیادکوه استادیار بخش ادبیات فارسی



دکتر رحمن صحراگرد استادیار بخش زبان‌های خارجی

و زبان‌شناسی



تیرماه ۱۳۸۷

## تقدیم به:

همسر با عطوفت و صبورم که رنج تحصیل مرا به جان خرید و همواره مشوق و یاریگر من بود و فرزندانم محمد و معین آن دو عزیزی که به خاطر آنها نفس می‌کشم و انگیزه‌ی امروز و فردای من هستند.

## تقدیم به:

روح بلند فردوسی حکیم، فروزان‌ترین ستاره‌ی سپهر حماسه و هر ایرانی که مانند فردوسی به سرزمین مادریم - ایران عزیز - عشق می‌ورزد و در راه شکوفایی وطن و سرافرازی و بالندگی فرزندان آن تلاش می‌کند.

## سپاسگزاری

سپاس می گویم آن یکتای بی همتا را که نعمت تحصیل علم را به ما ارزانی داشت و ما را یاری کرد تا از بحر بی کران علم و معرفت جرعه‌ای به قدر توانایی خویش بچشیم. انجام این پژوهش را مرهون زحمات اساتید ارجمندم آقایان دکتر جلال رحیمیان استاد راهنمای تحقیق و دکتر صیاد کوه و دکتر صحرا گرد مشاورین تحقیق می‌دانم. ضمن تشکر و سپاسگزاری از این بزرگواران برای ایشان عمر با برکت و پیشرفت روز افزون آرزو می‌کنم. از زحمات و صبر و حوصله خانواده عزیزم که همواره پشتیبان من بودند سپاسگزارم.

## چکیده

### نقش‌های معنایی-منظوری جملات پرسشی در شاهنامه‌ی فردوسی

توسط

هوشنگ مددی

متداولترین مقوله‌های دستوری که در زبان‌های بشری مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارت است از مقوله‌ی خبری، پرسشی و امری که در دستور زبان به ترتیب برای بیان خبر، طلب خبر و صدور فرمان به کار می‌روند. مطالعات زبانشناختی مؤید این مطلب است که در گفتار روزمره و نیز آثار ادبی رابطه‌ای یک به یک بین صورت دستوری جملات و مقوله‌های معنایی-منظوری وجود ندارد. به عنوان مثال صورت دستوری پرسش برای بیان تعجب، امر، توبیخ و انکار و نقش‌های دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحقیق حاضر نویسنده نقش‌های معنایی-منظوری جملات پرسشی را در شاهنامه مورد بررسی قرار داده است. جهت نیل به هدف مذکور جملات پرسشی شاهنامه (از آغاز تا اسکندر) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با توجه به بافت موجود و بر اساس آراء زبان‌شناسان جدید و علمای علم بلاغت هر یک از جملات پرسشی به دقت تعیین نقش گردیده و در مقوله‌ی معنایی-منظوری مربوط آن قرار گرفت. حکیم توس مقوله‌ی پرسشی را برای بیان ۳۶ مقوله‌ی معنایی-منظوری به کار گرفته که مقوله‌ی معنایی-منظوری انکار با ۲۳/۷۵ درصد بیشترین کاربرد را داشته است. بعد از آن مقوله‌های نفی، توبیخ و ملامت و اندوه و نگرانی به ترتیب با بسامد ۱۴، ۸/۷۵ و ۸/۵ در صد در رده‌های بعد قرار دارند. بر اساس این تحقیق روشن شد که ۳۷/۷۵ در صد از پرسش‌ها برای بیان دو مقوله‌ی انکار و نفی به کار رفته که این می‌تواند بیانگر روح و اندیشه‌ی حماسی باشد. حدود ۶۸ در صد کلمات پرسشی به کار رفته را چه، چرا و کی (چه کسی) تشکیل داده است. از دیگر یافته‌های تحقیق تمایز صورت و معنا، غنای معنا در مقایسه با صورت و ثبات صورت در مقایسه با معنا می‌باشد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول
	۱-۱ اهمیت زبان
۱	
	۱-۲ حکیم توس
۲	
	۱-۳ هدف تحقیق
۳	
	۱-۴ اهمیت و ضرورت تحقیق
۴	
	۱-۵ سازماندهی تحقیق
۴	
	فصل دوم پیشینه‌ی تحقیق
	۲-۱ منظورشناسی
۶	
	۲-۲ جنبه‌های معنایی-منظوری انواع بند
۱۰	
	۲-۳ علم معانی در منابع عربی و فارسی
۱۰	
	۲-۴ تحقیقات انجام شده
۱۳	
	فصل سوم: روش انجام کار
	۳-۱ مقدمه
۱۵	
	۳-۲ شیوه‌ی توصیف کارکردهای معنایی
۱۵	
	۳-۳ تجزیه و تحلیل نقش‌های معنایی-منظوری پرسش
۱۷	
	۳-۴ تجزیه و تحلیل آماری کارکردهای معنایی و کلمات پرسشی
۵۴	
	فصل چهارم: خلاصه و نتیجه‌گیری
	۴-۱ مروری بر فصل‌های پیش
۵۷	
	۴-۲ نتایج حاصل از تحقیق
۶۰	
	۴-۳ ارائه‌ی پیشنهاد
۶۱	

## فصل اول

### ۱-۱ اهمیت زبان

بشر موجودی است اجتماعی و زبان به عنوان شگفت‌ترین و پیچیده‌ترین خصیصه‌ی آدمی و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی نیازهایی از قبیل برقراری ارتباط، تبادل اطلاعات و تجربیات، نقل معارف درونی، بیان احساسات و رفع سوء تفاهم را برآورده می‌سازد. از طریق این ابزار بشر به یک همزیستی مسالمت آمیز دست می‌یابد.

ارزش قوه‌ی نطق در حدی است که ما انسان را حیوان ناطق می‌نامیم زیرا از بنیادی‌ترین وجوه تمایز انسان از دیگر جانداران قوه‌ی نطق است همچنانکه سعدی می‌فرماید:

زبان در دهان ای خردمند چیست	کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی	که گوهر فروش است یا پيله ور

(گلستان سعدی)

در بیان ارزش زبان همین بس که ارتباط خلق و خالق از طریق کلام است. از آنجا که بسیاری از تحقیقات زبانشناختی جدید معطوف به جنبه‌های کاربردی زبان است، گرایش‌های گوناگون زبانشناسی از قبیل جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان، منظورشناسی و تحلیل انتقادی گفتمان هر کدام به سهم خود و از منظر مختص به خود، زبان و مصادیق عینی آن را که عبارت است از کلام در معنای عام آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. البته باید در نظر داشت که این گرایش‌ها هیچگاه مستقل از یکدیگر به مطالعه‌ی زبان نمی‌پردازند بلکه صاحب‌نظران هر کدام از گرایش‌های فوق از دست آورده‌های حاصل از تحقیق در دیگر گرایش‌ها استفاده می‌کنند. برای مثال مطالعه‌ی زبان در چهارچوب تحلیل انتقادی نمی‌تواند جدای از منظورشناسی یا جامعه‌شناسی زبان باشد. علی‌رغم همه‌ی تلاش‌ها و کاوش‌هایی که در مورد زبان انجام شده و دستاوردهای و یافته‌هایی که به دست آمده زبان هنوز هم پدیده‌ای پیچیده و ناشناخته است و از همه‌ی کارکردها و ارزش‌های آن پرده برداشته نشده است و حتی هنوز تعریف کامل و جامعی که مورد قبول همگان

باشد از آن ارائه نشده است. به هر حال آنچه طی این تحقیق کانون توجه خواهد بود ابعاد منظورشناختی نوع خاصی از گفتمان است که از جنبه‌هایی در رده‌ی خود منحصر به فرد خواهد بود و آن بررسی منظورشناختی جملات پرسشی در بخشی از شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی است که جزئیات آن در زیر مطرح خواهد شد.

## ۲-۱ حکیم توس

حکیم ابوالقاسم فردوسی از نخستین و فروزان‌ترین اختران سپهر ادبیات حماسی جهان است. وی از نجیب زادگان توس بود و در روستای باژ از توابع تابران توس دیده به جهان گشود. فردوسی منادی عزت، شرف، غیرت، وطن دوستی و وحدت است. قدرت تخیل و خلاقیت بی‌نظیر این حکیم فرزانه و کوشش بی‌دریغ وی در طی سی سال از پربارترین سالیان عمرگران قدرش باعث شد که یکی از بزرگترین آثار حماسی تاریخ بشر صورت پیوند یابد. در روزگاری که نویسندگان و متفکران و اهل ادب به زبان عربی سخن می‌گویند و کتاب می‌نویسند، فردوسی شاهنامه را می‌سراید که شامل شورانگیزترین و حماسی‌ترین داستان‌هایی است که جای جای آن پر از نکات اساطیری، شگردهای داستانی و فنون زیبایی شناختی است. و در عین حال از کمترین لغات غیر فارسی بهره می‌گیرد. در واقع فردوسی از آن شاعرانی نیست که از روی تفتن شعر می‌سرایند و یا برای صله‌ای که هر مقدار آن در برابر قداست کلام و پایداری وطن در نظر او ناچیز می‌نماید. حکیم توس در دریای دری را به پای خوکان و نا اهلان نمی‌ریزد، او را ضرورتی، تشویشی، دغدغه‌ای بزرگ و مسؤولیتی خطیر به سوی این مهم سوق داده و آن نجات فرهنگ، زبان و ملیت کهن و دیرپای ایران است. روح فردوسی مالا مال از احساس مسؤولیت است و حس وطن دوستی در او شعله می‌کشد و خطر زوال فرهنگ و زبان ایرانی که هر لحظه استیلای عرب و ترک و ترک‌تازی آن را تهدید می‌کند شراری به جانس انداخته و لذاست که سی سال از بهترین و پربارترین سال‌های عمر خویش و نیز همه‌ی فرصت‌های طلایی را که می‌توانست با سرودن قصیده‌ای مدحی به دیگدان‌های زرین و قرب سلاطین دست یابد فدای عشق به ایران زمین می‌کند و بدین ترتیب است که شاهنامه نجات دهنده‌ی زبان فارسی و زنده کننده‌ی هویت و فرهنگ کهن ایران است، همانگونه که خود می‌فرماید:

عجم زنده کردم بدین پارسی  
که از باد و بارانش ناید گزند

بسی رنج بردم در این سال سی  
پی افکندم از نظم کاخی بلند

پیام شاهنامه برای هر ایرانی، وطن دوستی، عشق به وطن و جانبازی برای وطن است و خشت خشت این کاخ بلند نظم ندای خردگرایی سر می‌دهد و حتی معیار طراحی شخصیت‌های شاهنامه بر پایه‌ی خردگرایی است و در جای جای آن خردگرایی ستوده و نیکوست و در مقابل، بی‌اندیشگی و بی‌تجربگی نکوهیده و ناپسند است. به عنوان مثال رستم نماد خردگرایی و مدافع ناموس و کیان و ملیت است که همواره جان در طبق اخلاص دارد و خود را فدای وطن می‌کند. و لذاست که فردوسی همه جا او را می‌ستاید و هیچگاه شکست و بند و اسارت را بر او نمی‌پسندد. شعر فردوسی به جای دیگدان‌های زرین برایش در دسرها و مشکلات می‌آورد ولی نامی که او را جاودانه می‌کند. راز جاودانگی شعر فردوسی این است که کلام او منطبق با نیاز زمان و دردهای اجتماع است و برای ایران و ایرانی سروده شده است. فردوسی زنده است همانگونه که خود در پایان شاهنامه می‌گوید:

نمیرم از این پس که من زنده‌ام      که تخم سخن را پراکنده‌ام  
هر آن کس که دارد هش و رای و دین      پس از مرگ بر من کند آفرین  
آفرین بر روح بلند و منش و فطرت پاک و بیدار فردوسی حکیم که این رنج سی ساله را برای زنده نگه داشتن زبان شیرین پارسی به جان خرید.

### ۳-۱ هدف تحقیق:

طی تحقیق حاضر نگارنده در پی آن است تا در حد امکان جنبه‌های متعدد معنایی-منظوری جملات پرسشی در بخشی از شاهنامه (از آغاز تا اسکندر) را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این تحقیق با چگونگی به کارگیری مقوله‌ی پرسشی توسط حکیم توس آشنا خواهیم شد و از بسامد کاربرد کلمات پرسشی آگاهی خواهیم یافت. از آنجا که بررسی همه‌ی انواع جمله خارج از حوصله‌ی این تحقیق است فقط به مقوله‌ی پرسش می‌پردازیم و دلیل انتخاب آن تنوع و کثرت کارکردهای معنایی آن در مقایسه با دیگر انواع جمله است. طی تحقیق حاضر نگارنده در پی آن است که پاسخ سوالات زیر را بیابد:

- ۱) کارکردهای مختلف معنایی-منظوری جملات پرسشی در این بخش از شاهنامه کدامند؟
- ۲) بیشترین بسامد متعلق به کدام کارکرد است؟
- ۳) بسامد بالای این کارکرد نشانگر چه چیزی است و چه ارتباطی با بافت حماسی دارد؟

#### ۴-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق:

تحقیقی اینچنین که در قلمرو علم معانی انجام می‌شود و در آن با تعدد و تنوع کاربرد جملات پرسشی در شاهنامه آشنا می‌شویم می‌تواند از جهاتی چند حائز اهمیت باشد:

- ۱) آگاهی یافتن از چگونگی به کارگیری معانی ثانوی در اثر ماندگار حکیم فرزانه‌ی توس (شاهنامه) که به فهم بیشتر این اثر گرانبها می‌انجامد و نیز به فهم بیشتر این کاربردها کمک می‌کند.
- ۲) آگاهی یافتن از دقایق و اسرار بلاغت در سخنان بزرگان و گنجینه‌های بی‌بدیل ادب فارسی و عربی
- ۳) آگاهی یافتن از اصول کاربردی زبان که تخطی از آنها موجب سوء تفاهم و به کارگیری درست آنها موجب شیوایی و تاثیر بیشتر کلام می‌گردد.
- ۴) با توجه به تأثیر شایان و قابل ملاحظه‌ی یافته‌های زبان‌شناختی در ادبیات و بخصوص در حیطه‌های سبک‌شناسی و نقد ادبی چنین تحقیقاتی می‌تواند گامی در جهت نزدیک‌تر شدن این دو رشته و کاهش شکاف و اختلاف موجود گردد.
- ۵) تحقیق حاضر می‌تواند هموار کننده‌ی راه تحقیق‌های دیگری از همین نوع در نهج‌البلاغه، دیوان اشعار شعرای بزرگ، زبان فارسی معیار و گویش‌های محلی ایران باشد

#### ۵-۱ سازماندهی تحقیق:

تحقیق حاضر شامل چهار بخش است:

فصل اول شامل هدف تحقیق، اهمیت و تحقیق، سازماندهی تحقیق و همچنین نکاتی در باب زبان بشری و اهمیت و جایگاه آن، حکیم فرزانه توس و اثر ماندگار او یعنی شاهنامه.

فصل دوم: این فصل اختصاص یافته به پیشینه تحقیق، مطالبی در باب منظورشناسی و آراء شماری از صاحب نظران در این باب، جنبه‌های معنایی-منظوری انواع بند، علم معانی و استفهام در منابع عربی و فارسی و نیز ذکر خلاصه‌ی نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی کارکردهای معنایی-منظوری جملات پرسشی.

فصل سوم: در این فصل که با عنوان روش انجام کار می‌باشد شیوه‌ی بررسی و تجزیه و تحلیل کارکردهای مختلف معنایی جملات پرسشی استخراج شده ذکر خواهد شد. در این فصل جملات پرسشی استخراج شده از متن شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی (از آغاز شاهنامه تا اسکندر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نقش یابی خواهند شد. نتایج حاصل از تحقیق و بسامد کارکردهای مختلف جملات پرسشی به صورت جدول ارائه می‌گردد و نیز کلمات پرسشی به کار رفته و بسامد و درصد کاربرد آنها ذکر خواهد شد.

فصل چهارم: در فصل چهارم نخست خلاصه و مروری بر فصل‌های مختلف تحقیق، یک نتیجه‌گیری کلی و نهایی و سپس ارائه‌ی پیشنهاد جهت انجام تحقیق در این زمینه و یا موارد مشابه آمده است.

## فصل دوم

### پیشینه تحقیق

#### ۱-۲ منظورشناسی

تا کنون تعاریف متفاوتی از منظورشناسی ارائه شده اما لوینسون اظهار می‌دارد که ارائه‌ی تعریف جامعی از منظورشناسی که مورد قبول همگان باشد کار آسانی نیست زیرا رشته‌های مختلف بر اساس انبوهی از روش‌ها، پنداشت‌ها و دیدگاه‌هایی پایه‌ریزی شده‌اند که مربوط به مسائل اساسی آن رشته است و هر یک به منظورشناسی از دیدگاه و منظر مربوط به موضوع اصلی کار خود می‌نگرند. [ارک لوینسون (۵: ۱۹۸۳)]

ریچاردز (۲۸۴: ۱۹۹۲) منظورشناسی را چنین تعریف می‌کند:

"منظورشناسی یعنی مطالعه‌ی کاربرد زبان در محاوره، به ویژه رابطه بین جملات و بافت و موقعیتی که در آن به کار می‌روند. منظورشناسی شامل مطالعه موارد زیر می‌شود:

(الف) چگونه تعبیر و کاربرد کلام به دانش ما از دنیای واقعی بستگی دارد؟

(ب) چگونه گویشوران کنش‌های گفتاری را به کار می‌برند و می‌فهمند؟

(ج) رابطه‌ی بین گوینده و شنونده چه تأثیری بر ساختار جملات دارد؟"

"لوینسون مرز بالای منظورشناسی را معناشناسی و مرز پایین آن را جامعه‌شناسی و روانشناسی زبان می‌داند. او تعاریف زیر از منظورشناسی را موجه‌تر می‌داند و پیشنهاد می‌کند:

(۱) منظورشناسی مطالعه‌ی رابطه‌ی بین زبان و بافت است که این روابط دستوری

شده هستند و یا از طریق ساختارهای زبانی قابل شناسایی‌اند.

(۲) منظورشناسی مطالعه‌ی آن جنبه‌هایی از معناست که در تئوری معناشناسی مورد

مطالعه قرار نمی‌گیرد.

(۳) منظورشناسی مطالعه‌ی توانایی استفاده کنندگان از زبان برای کاربرد جملات با

فحوای کلامی مناسب آن است." (آرانی ۱۵: ۱۳۸۰)

توماس منظور شناسی را به صورت کلی، معنا در کاربرد یا معنا دریافت تعریف می کند. وی کتبی را که در باب منظور شناسی به بحث می پردازند به دو دسته کلی تقسیم می نماید. دسته اول منظور شناسی را به منظور سخنگو تعبیر می کنند و دسته دوم آن را معادل تفسیر کلام می دانند. توماس معتقد است که گرچه هر یک از این دو دسته به ابعادی از منظور شناسی اشاره دارند، اما هیچکدام به تنهایی بیانگر حقیقت منظور شناسی نیست. دسته اول که منظور شناسی را به منظور سخنگو تعبیر می کنند کانون توجه آنها تولید کننده پیام است. دسته دوم که منظور شناسی را تفسیر کلام می دانند، نگرشی ذهنی بر قضیه دارند و گیرنده پیام کانون توجه آنهاست. [شکری (۹: ۱۳۷۸)]

البته منظورگوشوران در همه حال لزوماً آن چیزی نیست که کلمات و ساختار دستوری جملات بیان می کنند، بلکه یک جمله یا عبارت ممکن است در بافت های مختلف معانی متفاوت و حتی متضادی داشته باشد. یعنی در واقع گوشور با استفاده از همان کلمات بسته به موقعیت و شرایط معانی متفاوتی را اراده می کند. به عنوان مثال عبارت "خسته نباشید" می تواند دارای معانی زیر باشد:

در خطاب به شخصی که وسیله ای را تعمیر کرده یا کاری برای ما انجام داده بیان تشکر است

در خطاب به کسی که چیزی را شکسته، سرزنش و اعتراض است.  
در خطاب به کسی که در حال کار است، یا هنگام عبور از کنار دربان دانشکده نوعی سلام و تعارف است.

در اواخر وقت کلاس یعنی استاد خسته ایم یا وقت تمام است، لطفاً مطلب را تمام کنید.

در پیوند با مطالب یاد شده لابنر (۱۱: ۲۰۰۲) سه سطح معنایی زیر را معرفی می کند:

"الف) معنای اصطلاحی یعنی معنای لغوی و دستوری یک اصطلاح ساده یا مرکب بدون در نظر گرفتن عوامل غیر زبانی.

ب) معنای کلامی و آن عبارتست از معنای یک عبارت ساده یا مرکب در بافت که دارای مرجع و ارزش درستی است.

ج) معنای محاوره ای که عبارت است از معنای کلام در کنش گفتاری که دارای گوینده، مخاطب، زمان و مکان معین باشد."

وی مجموعه گوینده، مخاطب، زمان، مکان و واقعیت گفته شده را بافت کلام می نامد، که می تواند واقعی یا غیر واقعی باشد.

براساس نظریه‌ی کنش گفتاری آستین، سخنگویان با به کارگیری کلام در بافت معین سه نقش را ایفاء می‌کنند:

- (الف) نقش گزاره‌ای که معنای ظاهری گفتار است.
- (ب) نقش غیر گزاره‌ای یعنی استفاده از کلام یا همان عبارت به منظور انجام یک کنش گفتاری مثل امر، درخواست، قول و غیره. در واقع این هدفی است که گوینده از ایراد سخن دارد.
- (ج) نقش انتاجی و آن تأثیری است که گفته‌ی مورد نظر بر شنونده دارد. یعنی نتیجه و اثر به کار بردن کلام در آن بافت معین است.

نا گفته پیدا است که همواره منظور گوینده‌ی کلام و تأثیر ایجاد شده بر شنونده یعنی تأثیر انتاجی یکسان نمی‌باشد، چه در غیر این صورت نیازی به چنین طبقه بندی نداشتیم. تأثیر انتاجی تحت کنترل گوینده‌ی کلام نمی‌باشد یعنی ممکن است منظور گوینده با نتیجه‌ی حاصل از کاربرد کلام متفاوت باشد. [آستین (۱۰۵-۱۰۱:۱۹۶۲)]

سخنگویان زبان‌های مختلف معمولاً منظور خود را به طور مستقیم بیان نمی‌کنند. بیان جملات به طور غیرمستقیم دارای مزایای فراوانی است. از جمله گوینده کلام ضمن القای منظور خود به شنونده رعایت ادب و احترام را نیز ملحوظ می‌دارد. با این روش کلام بار معنایی بیشتری یافته و گوینده چیزی فراتر از معنای ظاهری و دستوری جملات بیان می‌کند.

توماس معتقد است که بیان منظور به صورت غیرمستقیم از این جهت که در تمام زبان‌های طبیعی اتفاق می‌افتد پدیده‌ای جهانی است. اما این بدان معنی نیست که ما همیشه منظور خود را به طور غیرمستقیم بیان می‌کنیم و یا اینکه همه‌ی ما به یک گونه از این خاصیت استفاده می‌کنیم. در استفاده از این خاصیت زبان بین افراد و فرهنگ‌های مختلف تفاوت وجود دارد. [ارک توماس (۱۲۴:۱۹۹۵)]

به راستی چرا گویشوران منظور خود را به طور مستقیم بیان نمی‌کنند و چه دلایلی باعث می‌شود که آنها کنش غیر مستقیم را ترجیح دهند؟ توماس (۱۴۳-۱۴۲: ۱۹۹۵) دلایل زیر را در پاسخ به این سوال بر می‌شمارد:

- ۱" گویشوران از این خاصیت زبان لذت می‌برند.
- ۲) کنش غیر مستقیم موجب افزایش نیروی پیام می‌گردد.
- ۳) گویشور می‌تواند به اهداف متفاوت و متمایزی به طور همزمان دست یابد.
- ۴) رعایت ادب و حفظ شأن طرف مقابل."

جان کاتینگ می‌گوید که مقصود ما از رعایت ادب در منظورشناسی رعایت اصول اجتماعی رفتار از قبیل تعارف و مقدم داشتن طرف مقابل هنگام عبور از یک در نیست بلکه منظور گزینش به کارگیری زبان و اصطلاحات زبانی است، مانند مطرح کردن درخواست به صورت غیرمستقیم. درخواست باید به گونه‌ای مطرح شود که مخاطب قادر باشد آن را نادیده بگیرد یا پاسخ منفی دهد و نیز گوینده بتواند درخواست خود را تکذیب کند. هرچه امکان پاسخ منفی برای مخاطب بیشتر باشد درخواست مؤدبانه‌تر است و برعکس تعارف هر چه واضح‌تر و قوی‌تر باشد به ادب نزدیکتر است. [رک جان کاتینگ (۴۶-۴۴: ۲۰۰۳)]

ما همیشه، همه جا و در خطاب کردن افراد مختلف به یک گونه سخن نمی‌گوییم. حال این سوال مطرح است که گویشوران یک زبان از کجا می‌دانند که در شرایط و موقعیت‌های گوناگون چگونه از این خاصیت‌ها استفاده کنند و چگونه قادر به تعبیر و درک سخنان یکدیگر هستند؟ بر طبق نظر هلمز سخنگویان ضمن قرار گرفتن در معرض زبان و فراگیری تدریجی آن بر کاربردها و گونه‌های مختلف زبانی در بافت‌های مختلف نیز تسلط می‌یابند. ما زبان را در شرایط مختلف به صورت متفاوت به کار می‌بریم و عوامل غیرزبانی در سطوح مختلف یعنی تلفظ، لغات و ساختار بر کاربرد زبان مؤثرند. وی عوامل غیر زبانی زیر را نام برده است:

(۱) شنونده یا مخاطب کلام: شنونده‌ی کلام، وجهه‌ی اجتماعی او نسبت به گوینده و میزان شناخت و رابطه‌ی عاطفی آنها.

(۲) زمان و مکان گفتار: در چه موقعیت زمانی و مکانی گفتگو صورت می‌گیرد.

(۳) موضوع گفتار

(۴) نقش گفتار یا کلام: آیا هدف از کلام بیان احساسات و عواطف است یا دادن و

گرفتن اطلاعات [رک هلمز (۱۲-۱۱: ۱۹۹۳)]

بر طبق نظریه‌ی شناختی، ارتباط انسانی به دو مؤلفه‌ی مهم شبکه‌ی شناختی بستگی دارد. یکی سیستم ساخت معنا و دیگری سیستم برانگیزنده. صورت‌های زبانی، معنا را ایجاد می‌کنند. مشکل این است که رابطه‌ای یک به یک بین آنها وجود ندارد و معنا به گونه‌ای غیر قابل قیاس از صورت زبانی غنی‌تر است زیرا دستور زبان فقط تعداد اندکی قواعد عمومی را منعکس می‌کند که ما می‌توانیم برای تعداد بسیار زیادی از موقعیت‌هایی که با آن مواجه می‌شویم و یا تصور می‌کنیم به کار بریم. ایوانس و دیگران در پاسخ به این پرسش گفته‌اند که هر گاه صورت‌های زبانی ساختار معنایی را ایجاد می‌کنند که خیلی از خود صورت‌ها فراتر یا با آنها متفاوت است، یک سیستم کاملاً توسعه یافته‌ی استنباط و دلالت عمل خود را برای تضمین تعبیر صورت‌ها آغاز می‌کند. [رک ککسکس (۳۸۶: ۲۰۰۸)]

## ۲-۲ جنبه‌های معنایی-منظوری انواع بند

هر یک از چهار مقوله‌ی نحوی خنثی، پرسشی، امری و تعجبی یک کاربرد عادی و یک یا چند کاربرد ثانوی دارند. کاربرد عادی هر کدام از بندهای فوق به ترتیب بیان اطلاع/ سؤال، سؤال، خواهش و شگفتی است. در زبان فارسی چون بند خبری بسته به نوع آهنگ کلام می‌تواند ایفا کننده‌ی مقوله‌ی معنایی-منظوری سؤال یا خبر باشد به آن بند خنثی گوئیم [رک (رحیمیان ۱۳۸۱:۷۴)]. این رابطه را می‌توان در قالب نگاره‌ی زیر نشان داد:

مقوله‌های نحوی	مقوله‌های معنایی-منظوری
بند خنثی	بیان اطلاع/ سؤال
بند پرسشی	بیان سؤال
بند امری	بیان خواهش
بند تعجبی	بیان شگفتی

### نگاره‌ی شماره‌ی ۱

البته رابطه‌ی مقوله‌های نحوی و مقوله‌های معنایی-منظوری همیشه رابطه‌ای یک به یک نمی‌باشد. به عنوان مثال بند پرسشی همیشه برای بیان سؤال بکار نمی‌رود بلکه ممکن است برای خواهش نیز بکار رود.

## ۲-۳ علم معانی و استفهام در منابع عربی و فارسی

علم معانی آگاهی از اصول و قواعدی است که به وسیله آنها کیفیت مطابقت کلام عربی و فارسی با مقتضای حال سنجیده می‌شود و موضوع آن توجه به معانی ثانویه‌ای است که متکلم بلیغ با مقتضای حال از کلام خویش افاده می‌کند. گرچه علت غایی و غرض اصلی از علم معانی و بیان معرفت و شناخت وجوه اعجاز قرآن کریم در فصاحت و بلاغت است ولی فواید دیگری مانند اطلاع از دقایق و اسرار بلاغت در سخنان نظم و نثر عربی و فارسی و تمیز دادن سخن عالی از دانی و پیروی از فصحا و بلغا در شیوه‌ی سخن گفتن و نوشتن نیز بر آن مترتب است. (رک رجایی ۱۴۲:۱۳۴۰)

بر اساس گفته کزازی (۲۸-۲۶:۱۳۶۸) "در دانش معانی دگرگونی‌هایی را که به مقتضای حال در سخن پدید می‌آید بررسی می‌کنیم. سخن زمانی روشن و رساست که بسته به حال‌های گونه‌گون

دیگرگونی بپذیرد. هنجارگفتار یعنی شیوه‌هایی که در بازنمود اندیشه به کار گرفته می‌شود همواره یکسان نیست و سخنور توانا کسی است که می‌داند کی، کجا، برای که و چرا سخن می‌گوید و سخن خویش را در پیوند با این دیدگاه‌ها تغییر دهد. به عنوان مثال بسته به اینکه شنونده تهی یاد یا باورمند یا بر سر ستیز باشد، گوینده شیوه‌های متفاوتی را در گفتار برمی‌گزیند. اگر می‌داند که شنونده از آنچه او می‌گوید آگاهی دارد، به کوتاهی و فشردگی و اگر شنونده تهی یاد باشد، سخنور به تفصیل سخن خواهد گفت. اگر می‌داند که شنونده با او بر سر ستیز است و گفته‌اش را به آسانی نخواهد پذیرفت، به ناچار با برهان و دلیل با او سخن خواهد گفت. در دانش معانی سخن گفتن با مردم به تناسب عقل و خردشان ارزش بنیادین دارد و آرمانی است که سخنور به یاری کاربردهای ویژه بدان دست می‌یابد."

بر طبق گفته‌ی شمیسا (۱۲۷-۱۱۲:۱۳۷۶) "در علم معانی بحث از معانی ثانوی جملاتی است که به مقتضای حال مخاطب ایراد شده باشند، یعنی در مخاطب مؤثر واقع شده باشند و لذا حتی اگر به کار بردن صنایع ادبی هم از تأثیر کلام بکاهد، مخل بلاغت است. وی بلاغت را مطابقت کلام با موضوع اثر یعنی نوشتن به مقتضای موضوع تعریف می‌کند و برای رعایت آن دو مرحله‌ی زیر را ضروری می‌داند:

۱) نویسنده مقتضای حال خود را رعایت کند، یعنی صادقانه بنویسد.

۲) مقتضای موضوع را مد نظر داشته باشد و از آن خارج نشود.

علم بلاغت هرچند با دستور و آیین نگارش پیوند دارد اما نه این است و نه آن. دستور بیشتر جنبه‌ی آموختنی دارد، حال آنکه بلاغت ملکه است و باید رسوخ نفسانی داشته باشد و لذا متکلم فصیح و بلیغ ذاتاً و ناخودآگاه قادر به ادای کلام فصیح و بلیغ است.

نصیریان (۵۴-۵۵:۱۳۷۸) کلام را با توجه به حالت‌های اعتقادی مخاطب یعنی خالی‌الذهن بودن، تردید و یا انکار به سه دسته تقسیم می‌کند:

"الف) کلام ابتدایی: کلام را آنگاه ابتدایی گویند که مخاطب نسبت به مضمون آن خالی

الذهن باشد. یعنی نسبت به محتوای کلام تردید ندارد و منکر آن هم نیست. این

گونه کلام عاری از هر گونه ادوات تأکید است.

ب) کلام طلبی: در این گونه کلام مخاطب از مضمون کلام آگاه می‌باشد ولی در رد یا

قبول آن مردد یعنی گرفتار شک و تردید است. در این حالت گوینده، کلام خود را

با ادوات تأکید مؤکد می‌سازد.

ج) کلام انکاری: در این حالت مخاطب منکر مضمون و محتوای کلام است. چنین

کلامی را باید با چندین ادوات از ادوات تأکید مؤکد نمود."

پرسش در زبان همگانی زمانی مطرح می شود که سوال کننده چیزی را نمی داند و چون می پندارد که شنونده از آن آگاه است از او می پرسد مثل این که دانش آموزی از آموزگار بپرسد "رود کارون کجاست؟ اما در ادبیات پرسش هنری است با معنای مجازی. یعنی پرسنده نه برای کشف مجهول و گرفتن جواب می پرسد بلکه با طرح سوال پیامی را به مخاطب منتقل می کند. [لرک نوروزی (۵۹-۵۵:۱۳۷۶)]

رضانژاد (۱۳۶۷:۳۲۷) بیان می دارد که: "استفهام از انواع طلب و طلب نیز از اقسام انشاء می باشد. استفهام در لغت طلب فهم کردن و در اصطلاح علم معانی عبارت است از خواستن اطلاع از کاری یا چیزی که بر خواننده از نظر تصویری یا تصدیقی مجهول بوده باشد و برای کسب فهم یا خبر به کار می رود. در استفهام، ارتسام صورت خارجی یا ذهنی چیزی که مورد طلب است دارای اهمیت است و نباید او بر حقیقت موضوع مطلع باشد، چون طلب فهم از معلوم از موارد تحصیل حاصل است."

هاشمی در جواهر البلاغه (۱۱۴-۱۰۲:۱۳۷۸) می گوید:

"استفهام طلب دانستن چیزی است که از پیش معلوم نبوده است، اما گاهی الفاظ استفهام از معنی اصلی خود که همان آگاهی خواهی از ناشناخته است، خارج می شود، و با وجود آگاهی از پرسش، اهداف دیگری را دنبال می کند که از شیوهی سخن و دلالت آن می فهمند. از جمله: امر، نهی، تسویه، تهکم و ریشخند، وعید، آگاه کردن بر گمراهی، استبعاد، تحقیر، تحسر و اندوه، استیناس و غیره."

شمیسا به مواردی اشاره می کند که جملات پرسشی جنبه‌ی غیر ایجابی دارند، یعنی به قصد سؤال به کار نرفته‌اند و نیازی به جواب ندارند. به اینگونه سؤالات که در ادبیات بسیار رایج است سؤالات بلاغی گویند. وی غرض از به کار بردن جمله‌ی پرسشی به جای اخباری، امری و عاطفی را تأثیر بیشتر کلام می داند. جملات خبری هم که قصد اولیه از ایراد آنها اخبار است برای اغراض دیگری غیر از دادن خبر به کار می روند از جمله: اظهار تأسف و اندوه، توبیخ و ملامت بشارت و غیره. معانی مجازی پرسش در ادبیات بسیار گسترده است مانند نهی، توبیخ و ملامت، انکار، شمول حکم بیان تعجب و حیرت، بیان کثرت، تعظیم، تقاضا و کسب اجازه و .... که به پاره‌ای از آنها اشاره می کنیم:

**اخبار به طریق غیر مستقیم و مؤدبانه:**

آیا نمی شود این شعر را این گونه هم معنی کرد؟

( یعنی می شود و به نظر من این طور درست است )

**امر به طریق غیر مستقیم:**

بهتر نیست برویم؟ (یعنی برویم)

تشویق:

عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد ای خواجه درد نیست و گرنه طبیب هست

نهی:

چقدر غر می‌زنی؟

استفهام انکاری:

چطور چنین چیزی ممکن است؟ (یعنی حتماً ممکن نیست).

توبیخ و ملامت:

که گفتت برو دست رستم ببند؟ نبنده مرا دست چرخ بلند

با توجه به اینکه برای هر یک از نقش‌های معنایی-منظوری در بخش چهارم، قبل از ذکر شواهد

توضیحی آورده شده در اینجا به همین مقدار بسنده می‌شود. [رک شمیسا (۱۶۳:۱۳۸۴)]

#### ۲-۴ تحقیقات انجام شده

شکری (۱۳۷۸) با بررسی نقش‌های معنایی-منظوری پرسش در غزلیات حافظ به نتایج زیر

دست یافته است:

"نقش‌های معنایی-منظوری پرسش در غزلیات حافظ از تنوع قابل توجهی برخوردار است که در

این تحقیق طی ۲۴ عنوان آمده است. کاربرد درصدی کارکردها و درصد کلمات پرسشی به قرار زیر

است:

شگفتی و تعجب با ۱۹/۳۵ درصد، بیشترین کارکرد معنایی را در مقایسه با دیگر کارکردها داراست.

کارکردهای معنایی نفی (۱۴/۵۱)، تمنا و آرزو (۱۳/۱۳) و انکار (۱۲/۴۴) پس از آن قرار دارند.

در مورد کلمات پرسشی "چه" بیشترین بسامد را از نظر کاربرد در مقوله‌ی پرسش داراست و در

صد کاربرد آن ۴۳/۳۱ می‌باشد. پس از آن "که" با ۱۳/۹۸، "کجا" با ۱۲/۹۰ و "کی" با ۸/۵۲

قرار دارند.

وی تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اندیشگی در توجه به برخی کارکردها را موضوعی قابل ملاحظه

می‌داند. به عنوان مثال گرایش به جبر می‌تواند توجیه‌گر کارکردهای معنایی شمول و فراگیری و یا

ناگزیری و ناچاری باشد.